

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

آفاق جهانی تفکر شیعه

تألیف:

دکتر مصطفی ادیب

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
تهران: بزرگوار شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی: ۱۴۶۵۵-۱۵۹
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی:
www.ketabesadiq.ir



افق جهانی تفکر شیعه ■ مؤلف: دکتر مصطفی ادیب ■ ناشر: دانشگاه امام صادق(ع) و دانشگاه عالی دفاع ملی ■ نمایه سازی: رضا دبیا ■ چاپ اول: ۱۳۹۲ ■ قیمت: ۹۵۰۰ ریال ■ شمارگان: ۷۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: هوشنگی ■ شابک: ۸-۰۲۱۴-۳۴۸-۹۷۸-۶۰۰-۰۲۱۴-۳۴۸-۸

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: ادیب، مصطفی - ۱۳۹۷
عنوان و نام پدیدآور: افق جهانی تفکر شیعه/تألیف مصطفی ادیب.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق(ع): دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۲
مشخصات خلاطی: ۳۳۵ ص.
شابک: ۸-۰۲۱۴-۳۴۸-۹۷۸-۶۰۰-۰۲۱۴-۳۴۸-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: جهانی شدن -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع: جهانی شدن -- جنبه‌های مذهبی -- شیعه
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق(ع)
شناسه افزوده: دانشگاه عالی دفاع ملی
ردیبدنده کنگره: ۷ ۱۳۹۲ آ ۳۵۸ ۲۲۹ / BP ۴۸/۲۹۷
ردیبدنده دیوبی: ۴۸/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۰۷۴۵

فهرست مطالب

سخن ناشران.....	۱۱
پیشگفتار و مقدمه	۱۳
بخش اول: مفهوم جهانی شدن.....	۱۹
فصل ۱. جهانی شدن مصطلح.....	۲۱
مقدمه.....	۲۱
۱. پرسش از مفهوم جهانی شدن.....	۲۲
۲. مفهوم جهانی سازی.....	۲۲
۳. نظریات پیرامون منشاء و معنا و مفهوم جهانی سازی.....	۲۶
۴. نتیجه‌گیری و تعریف نهایی.....	۳۲
فصل ۲. پیشینه تاریخی جهانی شدن مصطلح	۳۳
۱. نظرات نسبت به پیشینه تاریخی جهانی سازی.....	۳۴
۲. عوامل مؤثر در پیدایش جهانی شدن	۳۸
۳. دیدگاه تک عاملی.....	۳۹
۴. دیدگاه چند عاملی.....	۴۲
۵. جمع‌بندی و ارزیابی.....	۴۴

فصل ۳. جهانی شدن یک فرایند است یا یک طرح؟.....	۴۵.....
۱. نگرش‌های مبتنی بر مکاتب.....	۴۶.....
۱-۱. نگرش کمونیستی.....	۴۶.....
۱-۲. نگرش رئالیستی.....	۴۶.....
۱-۳. نگرش لیبرالیستی.....	۴۷.....
فصل ۴. گذری بر مبانی معرفتی و اجتماعی جهانی شدن مصطلح.....	۵۱.....
۱. مبانی معرفتی و اجتماعی جهانی شدن مصطلح.....	۵۱.....
۱-۱. نسبت بین مدرنیته و جهانی شدن.....	۵۷.....
۲-۱. مدرنیته.....	۷۲.....
۳-۱. ماهیت مدرنیته.....	۷۲.....
۴-۱. ویژگی‌های فاعل شناسا.....	۷۵.....
۵-۱. تمایز ذهن و عین، ایده و عمل.....	۷۶.....
۶-۱. پرسش از ذات در تفکر جدید.....	۷۹.....
۷-۱. پرسش از غایت در تفکر جدید.....	۸۲.....
فصل ۵. جهانی‌سازی در سه عرصه فرهنگ، اقتصاد و سیاست.....	۸۵.....
۱. جهانی‌سازی در عرصه اقتصاد.....	۸۵.....
۱-۱. قاعده‌ی ادغام، اصل محوری در جهانی‌سازی.....	۹۱.....
۱-۲. آزادی گردش سرمایه، آرمان بزرگ نظام سلطه و سرمایه‌داری.....	۹۴.....
۲. جهانی‌سازی در عرصه‌ی فرهنگ.....	۱۰۱.....
۲-۱. قرائت‌های گوناگون از جهانی شدن فرهنگ.....	۱۰۱.....
۳. جهانی‌سازی در عرصه سیاست.....	۱۱۲.....
فصل ۶. نظرات مخالفان جهانی شدن مصطلح.....	۱۱۷.....
۱. آثار منفی جهانی شدن از دید مخالفان.....	۱۲۷.....
۲. برخی از آثار و عوارض جهانی‌سازی.....	۱۲۸.....
۲-۱. در عرصه اقتصاد.....	۱۲۸.....

فهرست مطالب ۷

۱۳۰.....	۲-۲. در عرصه فرهنگی اجتماعی.....
۱۳۴.....	۳-۲. در عرصه سیاسی.....
۱۳۷.....	بخش دوم: جهانی شدن الهی.....
۱۳۹.....	مقدمه.....
۱۴۳.....	فصل ۷. نظریه‌های عمدۀ پیرامون فرجم هستی.....
۱۴۳.....	۱. طیف اول: بدفرجام‌انگاری.....
۱۴۴.....	۲. طیف دوم: خوش‌فرجام‌انگاری.....
۱۴۷.....	فصل ۸. جهانی شدن الهی از منظر ادیان و مکاتب.....
۱۴۷.....	۱. مکاتب و ادیان الهی.....
۱۵۳.....	۲. جهانی شدن الهی و دیدگاه غرب.....
۱۵۵.....	فصل ۹. ارکان، مبانی فکری و فلسفی جهانی شدن الهی.....
۱۵۵.....	۱. فطرت‌گرایی.....
۱۵۶.....	۲. عاقبت‌جويي.....
۱۵۶.....	۳. کرامت انساني.....
۱۵۹.....	فصل ۱۰. انسان‌شناسی جهانی شدن الهی.....
۱۶۲.....	۱. انسان، جانشين خداوند.....
۱۶۳.....	۲. انسان، جايگاه شناخت.....
۱۶۶.....	۳. انسان و معرفت شهودي.....
۱۶۹.....	۴. عبوديت، معیار انسان محوری معرفتی وجودی جهانی شدن الهی است.....
۱۷۰.....	۵. جايگاه انسان در نظام آفرینش.....
۱۷۲.....	۶. خلاصه و نتیجه‌گيری.....
۱۷۷.....	فصل ۱۱. اصول هستی‌شناسی جهانی شدن الهی.....
۱۷۷.....	۱. هستی دارای نظام احسن است.....
۱۸۰.....	۲. جهان، خدامدار و توحیدی است.....
۱۸۲.....	۳. اصول جهان‌بینی در جهانی شدن الهی.....

فصل ۱۲. ساختار نظام جهانی شدن الهی.....	۱۹۱
۱. حاکمیت خداوند سیحان.....	۱۹۱
۲. امامت و رهبری	۱۹۲
۳. امت واحده.....	۱۹۳
۴. قانون واحد	۱۹۳
فصل ۱۳. ویژگی های جهانی شدن الهی.....	۱۹۵
۱. صبغه‌ی الهی - دینی جهانی شدن الهی.....	۱۹۵
۲. گسترش عدل و داد بر سراسر گیتی	۱۹۷
۳. جهانی شدن الهی و غایت تاریخ	۱۹۷
۴. تشکیل حکومت فراغیر جهانی	۱۹۸
۵. دین و آیین واحد جهانی	۲۰۱
۶. ملت واحد جهانی.....	۲۰۲
۷. معنویت در جهانی شدن الهی، در حد اعلی است	۲۰۲
۸. تکامل فکری بشری و رشد و آگاهی انسانها.....	۲۰۳
۹. نوسازی و احیاگری	۲۰۵
۱۰. امنیت و صلح جهانی	۲۰۵
۱۱. پیشرفت و رفاه جهانی	۲۰۷
۱۲. برکت	۲۰۸
۱۳. اطاعت.....	۲۰۸
۱۴. رضایت و خشنودی جهانی	۲۰۹
فصل ۱۴. اهداف جهانی شدن الهی	۲۱۱
۱. عدالت فراغیر جهانی	۲۱۱
۲. حفظ کرامت انسان.....	۲۱۴
۲-۱. مودت و همدلی	۲۱۵
۲-۲. آرامش و امنیت	۲۱۶
۲-۳. احسان و نیکی به هم نوع	۲۱۷

فهرست مطالب ۴

۳. حق محوری (خدمات محوری).....	۲۲۰
فصل ۱۵. برخی از ظرفیت‌های معرفتی حکمت متعالیه صدرایی برای تحقق جهانی شدن الهی.....	۲۲۱
۲۲۱. مقدمه.....	۲۲۱
۲۲۲. معرفتی اجمالی ملاصدرا.....	۲۲۲
۲۲۶. حکمت متعالیه صدرایی	۲۲۶
۱. معرفت‌شناسی و حکمت متعالیه صدرایی.....	۲۲۹
۲. هستی‌شناسی در حکمت متعالیه صدرایی.....	۲۳۲
۱-۱. برخی از مبانی هستی‌شناسی حکمت متعالیه صدرایی	۲۳۲
۲-۲. انسان‌شناسی در حکمت متعالیه صدرایی.....	۲۳۳
۳. نتیجه	۲۳۸
فصل ۱۶. جهانی شدن الهی از منظر برخی آیات قرآن کریم.....	۲۴۱
فصل ۱۷. جهانی شدن الهی از منظر برخی روایات اسلامی.....	۲۵۹
۱. جهانی شدن الهی در روایات اسلامی.....	۲۶۰
۲. نهج البلاغه و تأثیرات تحقیق جهانی شدن الهی	۲۶۳
۱-۱. خالی نبودن زمین از حجت‌های الهی	۲۶۳
۲-۱. امام زمان، جانشین پیامبران الهی	۲۶۴
۳-۱. غیبت طولانی امام زمان	۲۶۴
۴-۱. ظهور امام زمان بعد از انتظاری طولانی	۲۶۵
۵-۱. اجتماع مؤمنان در پیرامون امام زمان	۲۶۵
۶-۱. روی آوردن دنیا به اهل بیت پیامبر ﷺ بعد از ظهور امام زمان	۲۶۵
۷-۱. کامل شدن نعمت‌ها و برآورده شدن آرزوها در عصر ظهور	۲۶۵
۸-۱. الهی شدن خواسته‌های بشر در زمان ظهور	۲۶۶
۹-۱. محوری شدن قرآن در عصر ظهور	۲۶۶
۱۰-۱. کیفر شدن طاغوتیان و ستمگران در حکومت امام عصر	۲۶۶
۱۱-۱. آشکار شدن ثروت‌ها و منابع زیرزمینی در زمان امام عصر	۲۶۶

۱۲-۲. حاکمیت عدل اسلامی در عصر ظهور.....	۲۶۷
۱۳-۲. احیای مجدد قرآن و سنت پیامبر ﷺ در عصر ظهور.....	۲۶۷
۱۴-۲. نابود شدن فتنه‌ها و فتنه‌گران توسط امام عصر ﷺ.....	۲۶۷
۱۵-۲. آزادی ملت‌های در بند از سلطه‌ی ستمگران توسط امام عصر ﷺ.....	۲۶۷
۱۶-۲. پراکنده شدن اجتماع گمراهان و گردآمدن حق جویان پراکنده در عصر ظهور.....	۲۶۷
بخش سوم: جمیع بندی و نتیجه‌گیری.....	۲۶۹
فصل ۱۸. ناسازگاری‌ها و تفاوت‌های اساسی بین جهانی‌سازی و جهانی‌شدن حقیقی ..	۲۷۱
۱. تفاوت‌ها و سازگاری‌ها از حیث مبانی نظری.....	۲۸۳
۲. تفاوت‌ها و ناسازگاری‌ها در عرصه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی.....	۲۸۴
۳. تفاوت‌ها و ناسازگاری‌ها از حیث شکل، روش تحقیق و اجرا.....	۲۸۵
فصل ۱۹. اصول و راه کارهای اساسی برای نیل به جهانی‌شدن حقیقی ..	۲۸۷
۱. دعوت و هدایت همه‌ی انسان‌ها به نیکی‌ها و فطریاتشان.....	۲۸۷
۲. تعلیم و تربیت	۲۸۸
۳. تقویت بنیان خانواده.....	۲۹۰
۴. تقویت روحیه‌ی تعاون و همکاری گروهی در جامعه	۲۹۱
۵. تحریم عوامل فساد در جامعه.....	۲۹۲
۶. تحکیم روابط اجتماعی.....	۲۹۳
۷. تقویت نظارت و مسؤولیت همگانی در جامعه	۲۹۴
۸. گسترش خودکفایی و عدالت اقتصادی در جامعه	۲۹۵
۹. تقویت پرستش خدای بی‌همتا و افزایش روح نیازمندی به او	۲۹۶
۱۰. بهره‌گیری از تمدن غنی اسلامی و فرهنگ‌سازی آن	۲۹۷
۱۱. صدور و نشر همه‌ی ارزش‌های والای انسانی و دینی به جهان بشریت	۳۰۰
۱۲. رسالت اندیشمندان، فرهیختگان و علماء اسلامی برای نیل به جهانی‌شدن حقیقی ..	۳۰۳
منابع و مأخذ	۳۰۷
نمایه آیات	۳۱۵
نمایه	۳۱۹

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وَلَقَدْ أَتَيْنَا دَأْوَدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَا حَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَّنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشران

دانشگاه عالی دفاع ملی و دانشگاه امام صادق علیه السلام از جمله مراکز علمی ای هستند که از بدرو تشكیل و راه اندازی آن پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در صحنه‌ی آموزش و تولید علم متناسب با اهداف مقدس جمهوری اسلامی در سطوح مدیران عالی کشوری و لشکری پیش‌قدم بوده و وظیفه خطیر خود درجهت آموزش فرماندهان و مدیران عالی رتبه کشور را سرلوحه تمامی برنامه‌ها قرار داده‌اند. این امر هنگامی مهم‌تر می‌نماید که نگاهی عمیق به پیرامون کشور، منطقه و جهان داشته باشیم؛ چراکه با ظهور تهدیدات نوین در عرصه‌ی بین‌الملل، لزوم داشتن چنین کانونی برای به هنگام نگاه داشتن مدیران عالی نظامی و غیرنظامی کاملاً ملموس خواهد بود. از سوی دیگر ایده‌ی ایجاد تمدنی بزرگ موجب می‌شود تا این تلاش و تعهد موجب توسعه همکاری‌ها و ترغیب سازمان‌هایی گردد که برای پیروی از این هدف متعالی و ایجاد تحول در برنامه‌ها و فعالیت‌ها تولید و توزیع ادبیات راهبردی را یاری نمایند.

با نگرش به این ضرورت و حساسیت موضوع، لزوم انتشار محصولات علمی دانشگاه که ماحصل تلاش اساتید و فرهیختگان متخصص در علوم

راهبردی و دانش آموختگانی که با نهایت تلاش و کوشش مدت زمان مفیدی از دوران زندگی خود را جهت فرآگیری مفاهیم و اصول علوم راهبردی طی نموده‌اند نمایان می‌گردد. در این راستا انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی و دانشگاه امام صادق علیه السلام در سه حوزه رویکردی مدیریت راهبردی، دفاع ملی و امنیت ملی با اهتمام به برنامه‌ها و اصول خطییر مورد نظر و در چارچوب اهداف و مبانی عالیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران سعی در انتقال مفاهیم و ارزش‌های خود به سطوح مختلف مدیران و ارکان جامعه داشته و در این بستر دست‌های پرتوانی که نیل به این اهداف را تسهیل می‌نمایند به گرمی می‌پشارد. مجموعه حاضر که در قالب داده‌های موثر و متنج از ادبیات راهبردی در اختیار خواننده گرامی قرار گرفته است، امید دارد بتواند با انتشار کارکرد و انتظارات خود، ارتقای توان و حرکت در زمان و تصمیم‌گیری‌های خطییر و بزرگ را به همراه داشته و آثار مبارکی را در توسعه کشور به ارمغان آورد.

پیش‌گفتار و مقدمه

مهدویت و جهانی شدن، هر دو از جمله مباحث مهم و دغدغه‌های عصر حاضر است. اعتقاد به ظهور منجی و در معنای عام خود، مهدویت، یک باور دینی فraigیر در بین انسان‌ها بوده است. در ادیان مختلف چنین اعتقادی به‌نحو ملموس و بارزی تجلی پیدا کرده است و منجی با تعابیری چون «کلکی» در آیین هندو، «میسیحا» در یهود و مسیحیت، «سوشیانت» در زرتشت و در نهایت مهدی ﷺ در فرهنگ اسلامی یاد شده است. چنین باورهایی به‌رغم تفاوت‌های خاص خود، در تاکید بر ظهور یک منجی جهت گشودن راهی نو و جدید فراروی انسان در جهت نیل به یک سعادت ابدی، مشترک هستند.^۱

از این رو، مهدویت و منجی گرایی دغدغه تمامی انسان‌ها در دوران‌های مختلف تاریخ بوده است. در عصر ما نیز که مسائل انسانی و اجتماعی بیش از پیش فraigیر و جهانی گشته، این مسئله، بسیار حائز اهمیت است. از سویی وضعیت جهانی شدن با رشد فناوری ارتباطات همراه بوده که موجب فشردگی زمان و مکان، هم‌جواری مجازی، کش آمدن مناسبات اجتماعی در طول مکان، کوچک شدن جهان و در نهایت به تعییر مارشال

۱. ن.ک، ادیب، مصطفی، جهانی شدن و ظرفیت‌های معرفتی دین اسلام.

مک لوهان، پیدایش «دهکده جهانی» گشته است.

اهمیت چنین وضعیتی برای ما از دو منظر مطرح و حائز اهمیت است:

۱. آنکه ما خواسته یا ناخواسته تحت تاثیر چنین پدیده‌ای در قرن ۲۱ قرار داریم و بدین جهت شناخت ابعاد آن جهت تنظیم زندگی خویش ضروری خواهد بود.

۲. وجه دوم و مهمتر این پدیده برای ما، نسبت و ارتباط آن با اعتقاد دیرین ما نسبت به مهدویت و ظهور منجی موعود^{۱۰} می‌باشد. در واقع باور ما به شکل‌گیری حکومتی جهانی، توسط حضرت مهدی^{۱۱} چنین پرسشی را مطرح می‌سازد که چه ارتباط و نسبتی بین مهدویت و حکومت جهانی حضرت مهدی^{۱۲} با پدیده جهانی‌سازی وجود دارد؟ و در واقع سؤال اساسی کتاب همین است.

برای بررسی جهانی‌شدن باید:

۱. معلوم کرد که جهانی‌شدن الهی دارای چه مبانی، ویژگی‌ها، مولفه‌ها و اقتضائاتی است. و آیا این جهانی‌سازی که ناظر به وضعیت موجود است، با جهانی‌شدن الهی، منطبق است یا خیر؟

و بدیهی است که بدون فهم و درک مولفه‌ها، ارکان و ابعاد مختلف جهانی‌سازی این مقایسه و انطباق امکان‌پذیر نخواهد بود.

۲. گام دوم، شناخت وضع موجود جهان و انطباق آن با ادعاهای جهانی‌سازی است.

بررسی این موضوع که اظهارات طرفداران جهانی‌شدن با واقعیات موجود جهانی چقدر همسوی و هم‌خوانی دارد، در گرو گام دوم است.

۳. گام سوم و نهایی، شناخت ظرفیت‌های دین مبین اسلام، بخصوص مهدویت و تفکر شیعه برای عام‌گرایی و جهانی‌شدن از یک سو و انطباق آن با وضع موجود عالم و جهانی‌سازی از سوی دیگر است.

با وجودی که در سنت اسلامی تعبیر جهانی‌شدن به کار نرفته است، اما تعبیری چون حکومت جهانی اسلام، حکومت جهانی حضرت مهدی^{۱۳} و

جهان شمولی مفاهیمی کاملاً ملموس می‌باشد.

جهانی شدن یک اندیشه کهن است که در میان طرفداران ادیان و تمدن‌ها وجود داشته است. اما امروز نظام سرمایه‌داری غربی در صدد است با استفاده از فناوری پیشرفته، اطلاع‌رسانی مدرن، اقتصاد بازار، الگوی تمدن مادی غربی را تحت نام «جهانی شدن» بر تمامی جهان تحمیل کند. به تعبیر دیگر، تمامی جهان را به رنگ و شکل غرب در آورد.^۱

جهانی‌سازی غربی یک اندیشه و نزاع برتری طلبانه و استعمارگرانه غربی سرمایه‌داری است که ریشه در تمدن مادی و فلسفه عقل‌گرای الحادی غربی دارد و بر اساس آن جهان و غالب غربی سرمایه‌داری حق طبیعی و قانونی خود می‌داند که بر سرنوشت و مقدرات ملت‌ها حکومت کند و شروط‌های خدادادی آنها را از چنگشان درآورد. محمد عماره در این زمینه می‌گوید: «در جهان شمولی اسلامی (طرفداران) تمدن‌های مختلف می‌توانند در کنار هم براذرانه زندگی کنند و قرار نیست که آنها مثل هم بیاناند و یا جدا از هم، دشمن همدیگر باشند بلکه نوعی تشابه میان همه آنها وجود دارد و یک نقطه مشترک – که جهانی بودن است – میان همه آنها پیوند به وجود می‌آورد».^۲

بدون تردید نگرش جهانی، از دیرباز برای بشر مفهوم بوده است. بشر به اشکال مختلف در صدد تعلق یافتن به عرصه جهانی بوده است، نمودهای چنین گرایشی را می‌توان در کشورگشایی‌های گذشته امپراطوری‌ها و سلاطین، مکاتب فکری و ادیان مشاهده نمود. هر کدام از این عرصه‌ها، منظری جهانی در نظر خویش قرار می‌داده‌اند. در این میان، ادیان ابراهیمی بویژه دین مبین اسلام، نیز ادعای جهانی شدن دارد و بنیان این جهانی شدن را بر مجموعه‌ای از مبانی معرفتی می‌گذارد. یعنی نگاهی به فلسفه تاریخ و

۱. ن.ک، ادیب، مصطفی، جهانی شدن و ظرفیت‌های معرفتی حکمت متعالیه صدرایی.

۲. عماره، محمد، الاسلام و المولمه، مجموعه مقالات، ص ۱۱۸.

نگاهی نیز به انسان دارد و معتقد است که در فلسفه تاریخ انسان‌ها به یک بلوغ و نبوغ فکری می‌رسند و خود به خود پذیرای یک حکومت جهانی می‌شوند و حکومت جهانی نیز ویژگی‌هایی دارد که تمام جهان را دربرمی‌گیرد.^۱

ما چنین جهانی‌شدنی را دنبال می‌کنیم، دین با توجه به رسالت جهانی خود که بر اساس برقراری عدالت و مقابله با تبعیض و بی‌عدالتی است، باید با مفهوم «ایدئولوژیک» جهانی‌شدن مقابله کند و نباید فکر کند امری محظوم است و به آن تن در دهد.^۲

اما آیا چنین منظری لزوماً به لحاظ مفهومی با جهانی‌سازی یکسان می‌باشد؟

با عنایت به سرعت چشمگیر روند و فرآیند جهانی‌شدن، و تأخیر در تبیین نظریه غنی شیعه در خصوص جهانی‌شدن، در طول سه دهه گذشته، خوف آن می‌رود که سلطه و استیلای این پدیده، سطوح و لایه‌های مختلف جامعه اسلامی را (با عنایت به مشخصه ویژه جوان بودن جامعه اسلامی ایران و خطرات بالقوه‌ای که در این زمینه متصور است) به سیطره خویش در آورده و عملاً فرصت‌های مناسبی که در اختیار داریم را از دست داده و به رغم غنای فکری و تئوریک مذهب شیعه، جامعه اسلامی شیعی ایران با این پدیده پر سرعت، منفعانه برخورد کرده و قشر عظیم جامعه اسلامی و بخصوص جوانان آینده‌ساز این مرز و بوم را از دست داده و جهان تشیع نتواند جایگاه منيع و والای خویش را در این عصر کسب و احرار کند.

از سوی دیگر نقش مذهب در روابط بین الملل، اخیراً مورد توجه شمار قابل ملاحظه‌ای از آثار و نوشه‌های علمی، بویژه در حوزه‌های سیاست خاورمیانه، مطالعات اسلامی، گفتمان تمدن‌های معاصر، مطالعات

۱. ن.ک، ادیب، مصطفی، امر به معروف و نهی از منکر.

۲. افروغ، عmad، دین و جهانی شدن، ص ۱۳۴.

پساستعماری، مطالعات قومی و تروریسم جهانی فرار گرفته است.^۱ با این حال، بجز چند استثنا مباحث نوپا در خصوص جهانی شدن که اغلب از آن به عنوان فرایندی پیچیده و بسیار متنوع همراه با تاثیرات گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره یاد می‌شود، موضوع دین‌شناسی و ابعاد و پیامدهای دینی پدیده جهانی شدن، به طور مشخص یا نادیده گرفته شده و یا به حاشیه رانده شده‌اند. در عوض، در متون علمی و دانشگاهی، اغلب بر تاثیرات وحدت‌بخشی و یا تفرقه‌آفرینی مذهب در امور جهانی (جنگ‌های مذهبی) و به‌طور فزاینده‌ای تاکید به عمل آمده است. به همین منظور با عنایت به‌عنای معرفتی اسلام و تفکر شیعی، توجه به ارتباط بین تفکر شیعی با پدیده جهانی شدن و پاسخگویی دین به این پدیده بسیار ضروری است.^۲ از این رو اثر حاضر در پی پاسخ‌گویی به این مسئله اساسی است که مهدویت و منجی‌گرایی ریشه در کدام مبانی معرفتی دارد و نگاه اساسی آن بر پایه کدامین مکاتب انسان‌شناسی، جهان‌شناسی و کیهان‌شناسی استوار است. آیا جهانی‌سازی هم از همین مباحث معرفتی برخوردار است؟ نویسنده این اثر، رجاء واثق دارد که ارائه و مطالعه این کتاب بتواند گام مؤثر و مطلوب را در ارتقاء و اعتلاء تحقق رویکرد راهبردی جامعه آرمانی مهدوی برای جامعه اسلامی و بهویژه فرهیختگان و سازمان‌های راهبردی کشور فراهم آورد.

دکتر مصطفی ادیب

عضو هیات علمی دانشگاه بقیه‌الله عیض الدین

۱. ن.ک، ادیب، مصطفی، ثقلین گرانقدر. الگوی راهبردی طراحی ساختار مهندسی فرهنگی جهان اسلام.

۲. ن.ک، ادیب، مصطفی، جهانی شدن، فرست ها و تهدیدهای فراروی ایران اسلامی.

بخش اول

مفهوم جهانی شدن



جهانی شدن مصطلح

مقدمه

باید گذر کرد، گذر از هر آنچه که توقف، سکون و رکود را تداعی می‌کند، گذر از هر آنچه که تفکر و تأمل را مخدوش می‌گرداند و گذر از هر آنچه که آدمیت را مسخ می‌کند. گذر از ظاهر، گذر از مشهور، گذر از لفظ، گذر از نماد، گذر از شنیده‌ها و گفته‌ها و دیده‌ها، گذر از داده‌ها، گذر از رمزها و رازها، گذر از زمان و گذر از هر آنچه محل گذر است و گذر را کلیدی نیست، جز تفکر و آدمی را رسالتی نیست جز تفکر. آدمی به ندرت با تفکر، در آشتی بوده است، اما با پدیده‌ها و حوادث که از پی هم می‌آیند همواره آشنا بوده است. که گذر را تداعی می‌کند و هر یک مقدمه‌ای برای پدیده‌ها و حوادث بعدی‌اند.

نحوه‌ی مواجهه‌ی ما با پدیده‌ها، مسبوق به شناخت و فهم و درک ما از پدیده‌های است که خود، تفکر و تأمل در ابعاد و زوابای آشکار و نهان پدیده‌ها را می‌طلبد، تا بدین‌وسیله گذر و تعالی حاصل گردد و هر اندازه این شناخت، عمیق‌تر و دقیق‌تر باشد نحوه‌ی مواجهه‌ی با آن پدیده، منطقی‌تر و درست‌تر می‌نماید.

تفکر، یعنی ورود و نفوذ در بطن حوادث به گونه‌ای که گویی در آن سیر کرده‌ای؛ تفکر درد است، مجاهده است و مگر می‌توان مجاهده را از عمل

جدا کرد.

تفکر، عین آزادی است و مخالفت با تسليم و اهمال اراده، و تسليم امر قهقحه عدم تفکر است و اساساً عدم تفکر در باب مسئله هاست که تسليم را در پی دارد.

تفکر در باب یک حادثه تاریخی با طرح پرسش از اصل و آغاز آن شروع می شود. "جهانی شدن" به عنوان پدیده معاصر که حوادث و اثراتی را به دنبال خواهد داشت به مثابه مقدمه ای برای آن حوادث و اثرات می باشد که مواجهه می را به حضور می طلبد. از این رو باید از اصل و آغاز، مورد پرسش قرار گرفته تا به درستی شناخته شده و زوایای آشکار و نهان آن، مورد کنکاش قرار گیرد. فراموش نکنیم که پدیده ای نیست، مگر اینکه مبانی و فلسفه و هدفی داشته باشد و شناخت پدیده و گذر از آن که مسبوق به حضور ماست، بدون درک مبانی و فلسفه و هدف آن ممکن نخواهد بود.

۱. پرسش از مفهوم جهانی شدن

در عرصه تفکر و تأمل، طرح پرسش از ماهیت و چیستی اشیاء به مثابه نقطه عطفی در طریق و مسیر گذر و تعالی محسوب می گردد. جهانی شدن نیز به عنوان اصطلاحی که در دهه های پایانی قرن بیست و پنجم پا به عرصه گفتمان های اجتماعی گذاشت و توانست در زمانی کوتاه توجه اندیشمندان جهان را به سوی خود جلب کند، از جمله مفاهیمی است که به شدت مناقشه برانگیز است و در مجتمع و نشست های مختلف به اتحاد گوناگون به میان کشیده می شود. شیوه این اصطلاح صرف نظر از پیشینه تاریخی و فلسفی اش به حدی چشمگیر بوده است که تقریباً در همهی حوزه های فکری و ادبی معاصر به نحوی از اتحاد و با تعبیر و تفسیری خاص از آن سخن به میان می آید و جالب اینجاست که علی رغم متدالو بودن این اصطلاح هنوز تعریف جامع و مانعی از آن ارایه نشده است. اما به راستی جهانی شدن چیست و به چه معناست؟ آیا اساساً طراح و

مؤسسی دارد که تفکر، طرح و ایده‌ای را در وراء صورت ظاهر زیبای این اصطلاح گمارده باشد یا اصطلاحی است که ناگهان موجودیت پیدا کرده و بر زبان‌ها جاری شده است؟ چه مبانی فکری‌ای ممکن است در وراء این لفظ و اصطلاح وجود داشته باشد؟

جهانی‌سازی، حیثیت التفاتی (ذات اضافه بودن) دارد یعنی همواره متنضمَن و متحیث به حیثیت وجودی عنصری دیگر است تا تکمیل گردد. پرسش اساسی نیز همین است که چه چیزی قرار است جهانی شود؟ آن چیزی که قرار است صبغه و جنبه‌ی جهانی^۱ پیدا کند، چیست؟ چه چیزی قرار است سیطره پیدا کند و همه را تحت لواء خویش برد؟ چه چیزی قرار است به عنوان یک پارادایم واحد بر جهان حاکم گردد؟ اگر قرار است یک قانون، یک ارزش، یک نوع نگرش، یک طرز تلقی، یک فرهنگ و یک نوع تفکر با مسیر معین و از پیش تعیین شده در جهان حاکم گردد پس قوانین، ارزش‌ها، نگرش‌ها، فرهنگ‌ها، تفکرات و آداب و رسوم محلی، منطقه‌ای و ملی چه می‌شود؟ چه نسبتی بین این جهانی‌سازی با آن وعده‌های ادیان ابراهیمی بخصوص وعده اسلام و قرآن و بالاخره موضوع مهدویت (حکومت جهانی حضرت مهدی ﷺ) وجود دارد؟

۲. مفهوم جهانی‌سازی

گرایش به وحدت، امری فطری می‌نماید که با ذات و فطرت بشر متناسب است، به این معنا که، انسان بالغتره به وحدت تمایل دارد. گرایش انسان به جهان‌شمولی یا جهان واحد و وصول به وحدت جهانی نیز از سخن گرایشات فطری نوع بشر است که البته از دو دیدگاه یا دو منظر اصلی که مبانی فلسفی و جهان‌بینی جدگانه‌ای دارند قابل بررسی است: "تفکر انسانی" و "تفکر مادی" که اولی با فطرت انسان سروکار دارد و دومی

منبع از تمایلات مادی گروهی خاص می‌باشد. انسان در فطرت خود، در جستجوی نامحدود است و به هیچ اصل و محدودیتی متوقف نمی‌شود. این رویکرد فطری در صورت کمال خود، هنگامی دنبال می‌شود که حقیقت را در کرانه‌های آن جستجو کرده و به مرزهای ویژه‌ای محدود نشود. در این مسیر، آدمی با توان محدود خود، در سیز قرار می‌گیرد، ولیکن کسی که در جهتی خاص، تن می‌سپارد، فطرت نامحدود طلب خود را به اسارت می‌برد. از آن جایی که اصولاً حقیقت واحدی در عالم هستی وجود دارد که انسان‌ها به طور فطری به آن گرایش دارند، طبیعی است که تمایل به این آرمان واحد، باعث می‌شود تا انسان‌ها به دریافت و شناسایی جملگی زوایای این آرمان و حقیقت تمایل بوده و سعی در اخذ علوم و اطلاعات مربوط به آن از سایر انسان‌ها و جوامع بنمایند. این ارتباط از دوران باستان وجود داشته و انسان‌ها فطرتاً به سمت آن تمایل دارند. از سوی دیگر صاحبان انواع قدرت مادی و سیاسی تمایل به زیر سلطه بردن کلیه جوامع در جهت منافع و مطامع خویش را دارند، اینان نیز، از تمایل وحدت‌گرایانه‌ی فطری انسان، حداکثر سوءاستفاده را نموده و با ارائه الگوهای غالباً مادی و کمی به همراه تجرید و منحصر و محدود نمودن ایده‌ی واحد جهانی انسان‌ها در نیازها و اشکال مادی و دنیوی که سود آنان را در پی دارد سعی در اضمحلال و نابودی هنرها، فرهنگ‌ها و از همه مهمتر هویت بومی و ملی جوامع و انسان‌ها می‌نمایند.^۱

"جهانی‌سازی"، ترجمه‌ای از واژه‌ی گلوبالیزیشن (انگلیسی)، گلوبالیزیون (فرانسه)، کلوبالیزیرونگ (آلمانی) است که برخی معادل فارسی آن را "جهانی‌سازی" و برخی دیگر معادل آن را "جهان‌گسترش" و دسته سوم معادل آن را "جهان‌گرایی" دانسته‌اند و بی‌تردید همه‌ی آنها بی که

۱. نقی‌زاده، محمد، تمایزات جهانی بودن و جهانی شدن، مجله نامه‌ی فرهنگ، شماره ۴۳، ص ۵۰ (با تلخیص).

این معادل را برای این کلمه به کار گرفته‌اند اگر چه تعابیرشان با یکدیگر اختلاف دارد بر این مطلب اتفاق نظر دارند که بازگشت این تعابیر به کلمه‌ی انگلیسی گلوبال (جهانی) است که در فرهنگ‌ها به سه معنا به کار بردۀ می‌شود:

۱. گرد مثل توپ یا کره؛
۲. عام و کلی و جهان‌شمول؛

۳. مقوله‌های مربوط یا شامل در کره‌ی زمین و سراسر جهان.

که البته کلمه‌ی گلوبال (جهانی) هم به معنای لازم و هم به معنای متعددی به کار بردۀ می‌شود.^۱ به این معنا که واژه‌ی جهانی شدن، اسم مصدر، از مصدر "جهانی شدن یا جهان‌شمولی شدن" در وجه لازم استعمال می‌شود و هم به معنای "جهانی سازی" یا "یک پارچه کردن" که متعددی است، به کار بردۀ می‌شود.

در جهانی سازی، باید یک فرهنگ واحد جهانی، یک نحوه‌ی تفکر واحد، یک طرز تلقی واحد، یک شیوه‌ی زندگی واحد و یک نوع نگرش واحد، بر جهان، حاکم گردد. همه باید در جهت یک هدف، یک آرمان و یک مقصد واحد جهانی، در این دهکده جهانی^۲ سیر کنند و هیچ دوگانگی و تعارضی نباید وجود داشته باشد، چرا که آرامش و وحدت دهکده را بر هم خواهد زد و اساساً در پشت بار عاطفی مثبت بسیار قوی مفهوم دهکده‌ی جهانی، همین حالت یکی بودن و یکی شدن است که تداعی می‌گردد.

اما نقطه‌ی آرمانی مشترکی که در جهانی سازی یا دهکده‌ی جهانی، همه باید به آن فکر کنند کجاست و اساساً مآل و متنهای "جهانی شدن" در این دهکده‌ی واحد جهانی چیست؟

۱. ر.ک: باطنی، محمد رضا، فرهنگ معاصر، انگلیسی-فارسی، ویراست دوم؛ حییم، سلیمان، فرهنگ معاصر، انگلیسی-فارسی، تک جلدی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۰؛ آریان‌پور، فرهنگ جامع پیشرو، انگلیسی-فارسی، شش جلدی، جلد سوم.

2. Global Village

نقطه‌ی مشترک آرمانی در جهانی‌سازی یا در دهکده‌ی جهانی، "این جهان" است یعنی همه‌چیز و همه نگرش‌ها در راستای "این جهانی‌شدن" است که باید یکی شوند و جهانی گردند. همه باید به "این جهان" فکر کنند و درواقع "جهانی‌شدن" احالة دادن انسان به "این جهان" (اصالت دنیا) است. سنگ بنای این سخن تفکرات را باید در مدرنیته و اصل اصالت ماده (ماتریالیست) که از مؤلفه‌های شاخص و بنیادین مدرنیته است، جستجو کرد. در جهانی‌شدن یا به تعبیر دقیق‌تر "این جهانی‌شدن" نسبت جدید (مدرن) بین انسان و وجود (هستی) پدید می‌آید به نحوی که انسان، اعتباری ویژه یافته و وجود هر چیز در نسبت با او و ذیل او تعریف گشته و موجودیت می‌یابد و همین نسبت "مدرن" بین انسان و وجود (هستی) و این تعریف، نگرش و تلقی مدرن از "انسان" است که باید تسری پیدا کرده و جهان را محاصره کند.

این اندیشه و تفکر مدرن است که باید جهانی شود. در واقع "جهانی‌شدن" مرحله‌ی پایانی تجدد و به عبارت دقیق‌تر جهانی‌شدن اصول، قواعد، مضامین و مؤلفه‌های تاریخ تجدد و اندیشه‌ی مدرن است.^۱

۳. نظریات پیرامون منشاء و معنا و مفهوم جهانی‌سازی
به حکایت تاریخ، اولین ادعای جهانی‌شدن از سوی ادیان الهی مطرح گردیده است. ابراهیم خلیل ﷺ، موسیٰ کلیم ﷺ، عیسیٰ مسیح ﷺ و پیامبر گرامی اسلام ﷺ که همگی رسولان برحق خداوند برای همه‌ی انسان‌ها بودند.

و از این‌رو است که ایده‌ی جهانی‌شدن به مثابه یک هدف مقدس در ادیان الهی قابل جست‌وجو است. این ایده در اوستای زرتشت با نبرد اهریمن و اهورامزدا تحقق می‌یابد؛ در انجیل مکاشفه‌ی یوحنا، فصل

۱. داوری اردکانی، رضا، جهان و جهانی‌شدن، مجله نامه فرهنگ، شماره ۴۳، ص ۲۱.

هارمجدون، آخرین تابلو از جدال شر و نیکی برای بازسازی نمادین جهان به تصویر کشیده می‌شود؛ شیعیان راستین علی^۱ نیز ظهور یک منجی عدالت‌گستر را در عصر آخرالزمان باور دارند که نامش مهدی^۲ است. البته در طول تاریخ، امپراطورانی نظیر نرون^۳ و هیتلر^۴ نیز به سوی جهانی شدن و جهانی ماندن گام برداشتند، لیکن رو به اضمحلال و نابودی رفتند و بنیادشان نیز بر باد رفت. اما آنچه که در آغاز هزاره‌ی سوم، از آن تحت عنوان جهانی شدن^۵ نام می‌برند، منشأی کاملاً زمینی دارد و ناظر بر سیاست و قیادت مطلقه‌ی "بازار"، بر سرتاسر جهان است.

واژه‌ی جهانی شدن برای نخستین بار در اوایل دهه‌ی شصت میلادی وارد ادبیات روابط بین‌الملل شد و از همان آغاز همگان به دشواری فهم این پدیده‌ی پیچیده اعتراف کردند. نشریه‌ی اسپکتور^۶ در نوامبر ۱۹۶۲، از جهانی شدن به عنوان پدیده‌ای "گیج‌کننده" تعییر کرد؛ با این وجود، جهانی شدن به مثابه‌ی جریانی قوی در عرصه‌ی جهانی موضوعیت یافت.

تسريع پیشرفت‌های تکنولوژیک در عرصه‌ی ارتباطات مبتنی بر IT، باعث شد که جهان به صورت دهکده‌ی کوچکی که اطلاعات دیجیتال به مثابه شریان‌های حیاتی آن محسوب می‌شدند، بازسازی شود. به این ترتیب نظریه همبستگی متقابل بشریت، تقویت شد و برخی نظریه‌پردازان از جهانی شدن به عنوان ساختن جهانی بهم پیوسته، برای مردمی با سرنوشتی مشترک یاد کردند. هر چند در دهه‌های گذشته اشخاصی نظیر هاپکینز^۷ و مانزیاخ از دنیایی به هم وابسته سخن گفته بودند اما جهانی شدن گامی فراتر از این وابستگی متقابل بود.

رابرتsson در سال ۱۹۹۲ نوشت:

1. Neron
2. Hitler
3. Globalization
4. Specator
5. Hopckinz

جهانی شدن یا سیاره‌ای شدن جهان، مفهومی است که هم به تراکم جهان و هم به تشدید آگاهی درباره‌ی جهان به عنوان یک کل می‌انجامد و هم به وابستگی متقابل و واقعی جهانی و هم آگاهی از یکپارچگی جهان در قرن بیستم اشاره می‌کند.^۱

مک گرو نیز این تعبیر از جهانی شدن را ارایه داد:
افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولت‌ها و درنتیجه فراتر از جوامع دامن می‌گسترند و نظام جدید جهانی را می‌سازند. جهانی شدن به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن، حوادث، تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان می‌توانند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخش‌های بسیار دور کره‌ی زمین در برداشته باشد.^۲

برخی دیگر از نظریه‌پردازان، جهانی شدن را فرایند تاریخی غربی‌سازی جهان می‌دانند، اما در اینکه اساساً غرب چیست و این فرایند غربی‌سازی بر چه مبانی‌ای استوار است، اختلاف نظری کلی مشاهده می‌شود. و ما در بخش‌های آینده به مفهوم غرب، توجهی کرده و مطالبی را تقدیم می‌داریم. فرانسیس فوکویاما^۳، محقق و متخصص روابط بین‌الملل در مؤسسه تحقیقاتی رند، از غرب به عنوان نظامی یاد می‌کند که در آن اصول و مبانی لیبرالیسم به طور کامل نهادینه شده باشد. او جهانی شدن را فراگیر شدن الگوی پیروز لیبرال دموکراسی پس از جنگ سرد می‌داند و از آن به عنوان پایان تاریخ یاد می‌کند.

سرژ لاتوش^۴ متفکر چپ‌گرای فرانسوی نیز جهانی شدن را مرحله‌ای دیگر از فرایند غربی‌سازی جهان می‌داند که در دورانی از تاریخ، به صورت جنگ‌های صلیبی و در دورانی دیگر به صورت استعمار سیاهان توسط

1. R. Robertson, Globalization: Social theory global culture, pp 32.

2. Mc. Grew, A Global society, in S.Hall, D.Held and T.Mc Grew (eds), Modernity and its futures, pp 17.

3. Francis Fukuyama

4. Serge Latouche

سفیدپوستان اروپایی، تکرار شده است. لاتوش از غرب، استنباطی جغرافیایی- نژادی داشت که ممکن بود بر کل جهان مستولی شود؛ این برداشت از غرب دیدگاهی است که برخی از بنیادگرایان مذهبی (و البته نه اصولگرایان) و بیشتر بنیادگرایان نژادی آن را قبول دارند.

بی تردید می‌توان گرایش‌های مذهبی و نژادی‌ای در تمدن غرب یافت اما نمی‌توان آن را به کل مجموعه تعمیم داده و براساس آن، رخدادهای بین‌المللی را تحلیل کرد. از سویی دیگر این برداشت از غرب در ذات خود نوعی نفی غربی‌سازی (تعییری که لاتوش از جهانی شدن ارایه می‌کند) را می‌پروراند؛ چرا که در این صورت اطلس جهان، مجموعه‌ای از ستیز تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف خواهد بود؛ همان تصویر سرخی که ساموئل هانتینگتون استاد دانشگاه هاروارد در نظریه برخورد تمدن‌ها آن را ترسیم کرد و بر غیرعملی بودن غربی‌سازی جهان تأکید ورزید.^۱

هانتینگتون از غرب به عنوان واقعیتی جغرافیایی فرهنگی یاد می‌کند که در آن نظام لیبرال دموکراسی نهادینه شده است. او معتقد است که لیبرال دموکراسی نمی‌تواند جهانی شود چرا که با اصول فرهنگی سایر ملل که وی زیرکانه از آن به عنوان باورهای تمدنی یاد می‌کند، در تناقض است. هانتینگتون در آخر برای آن که سیاست تمدن غرب مخدوش نشود، جز برخورد تمدن‌ها و تشدید گسل‌ها و مرزهای خونین تمدنی مابین غرب و سایرین گزینه‌ی دیگری پیشنهاد نمی‌کند. باید هوشیار بود که این توصیه‌ی هانتینگتون چیزی جز دشمن تراشی برای غرب پس از سقوط امپراتوری شوروی نیست؛ همان‌طوری که هابز^۲ توصیه می‌کند:

اگر بربرها وجود خارجی ندارند، باید در پی خلق آنها باشیم. جهان در پرتو مفاهیم متضاد بهتر درک می‌شود. همسازی طبیعی، توهם خطرناکی

۱. ثانی، رضا، زیر موج جهانی شدن، ص ۲۰.

2. Thomas Hobbes

است. بی‌شک خلاً قدرت، توسط کسانی پر خواهد شد که از اراده، ابزار، سرعت عمل و رهبری مناسبی برخوردارند.^۱

رضا ثانی در کتاب خود تحت عنوان زیر موج جهانی‌شدن، جهانی‌شدن را این طور تعریف می‌کند:

«جهانی‌شدن روند دیالکتیک بروز زایی مبنی بر تحولات درونی نظام سرمایه‌داری در فرایند تاریخی است».

و معتقد است برای روشن شدن این تعریف باید دو نکته تبیین شود:

- ۱- شناختی کلی از نظام سرمایه‌داری و حلقه‌های پدیدآورنده آن در بستری تاریخی که امروز، به مرحله نوینی تحت عنوان "جهانی‌شدن" به معنای خاص کلمه رسیده است. برای این منظور باید به ترسیم خط سیر سرمایه‌داری پرداخت تا حلقه‌ی جهانی‌شدن، تبیین و جایگاهش معین گردد.
- ۲- شناخت شاخصه‌ی دیالکتیکی این حلقه‌ی نوین، که ویژگی بنیادین آن است و فلسفه جهانی‌شدن نیز به شمار می‌رود.^۲

محمد عابدالجابری جهانی‌شدن را چنین تعریف می‌کند:

جهانی‌شدن مرحله‌ی "پسا" استعمار است. البته کلمه "پسا" در چنین تعبیری به معنای گستالت از مرحله‌ی گذشته (استعمار) نیست، بلکه به معنای استمرار آن در قالب جدید است. همان‌گونه که وقتی تعبیر پسانوگرایی (پست مدرنیسم) را به کار می‌بریم منظور از آن، گستالت از مرحله نوگرایی نیست.^۳

با توجه به وجه غالب جهانی‌شدن، عمدتاً جهانی‌شدن از منظر اقتصادی تعریف می‌شود و ناظر به "افراش جریان جابه‌جایی منابع و تولیدات میان کشورها با حضور تشکیلات سازمان یافته برای اداره‌ی فعالیت‌های اقتصادی

1. Theodore , A , "Couloumbis and Thanaos Veremis", In search of new Barbarians, Mcditeranean Quarterty, Vol 5, pp 36-44.

2. ثانی، رضا، زیر موج جهانی‌شدن. ص ۲۳.

3. عابدالجابری، محمد، فصایا فی الفکر المعاصر، ص ۱۳۵.

"بین‌الملل" است. اما وجود سیاسی و فرهنگی آن نیز اهمیت خاصی دارد. بنابراین، تعریف جهانی شدن از منظر اقتصاد بین‌الملل تنها یک وجه آن را بازگو می‌کند. با توجه به وجود مختلف این پدیده، تعاریف متفاوتی برای آن ارایه شده است.

دیدگاه‌های چپ در مورد جهانی شدن، این مقوله را در چارچوب امپریالیسم تفسیر می‌کنند. در این تلقی، جهانی شدن به مثابه استعمار نو^۱ مطرح می‌گردد که هدف آن استیلای همه جانبه برخی از بازیگران جهانی بر دیگران می‌باشد.

ولی بالاخره باید توجه داشت که مفهوم جهانی شدن مفهومی، مبهم، غیرشفاف و توسعه نیافته است و هنوز نمی‌توان یک قضاوت روشنی از آن داشت و دلیل آن این است که هنوز تعریف روشن و دقیقی از جهانی شدن ارایه نشده است و اختلافات زیادی بر سر مفهوم جهانی شدن وجود دارد. به نظر عmad افروغ، جهانی شدن بیش از آنکه یک واقعیت علمی و ملموس باشد، یک ایدئولوژی است و بیشتر با نوعی ارزش‌ها و خواسته‌ها و مدینه فاضله توأم است تا با یک واقعیت فراگیر.^۲

درخصوص نقش ارتباطات و اطلاعات در مفهوم جهانی شدن باید گفت: آنچه در مفهوم جهانی شدن، مشترک است بعد ارتباطاتی این مفهوم است. اما امروزه در دنیا شاهد ارتباطات فراگیری هستیم و با این ارتباطات، زمان و مکان، به گونه‌ای پشت سر گذاشته شده است و حتی به بیان دقیق‌تر، زمان حاکم بر فضای شده است. قدر مسلم جهانی شدن، همین قضیه است. اما به مجرد ورود به سایر ابعاد جهانی شدن، اختلافات هم آغاز می‌شود.^۳

1. New colonialism

2. افروغ، عmad، دین و جهانی شدن، ص ۱۲۹.

3. همان، ص ۱۱۹.

۴. نتیجه‌گیری و تعریف نهایی

گرچه می‌توان ادعا کرد که پس از گذشت سه دهه گفتگو از پدیده‌ای به نام جهانی‌شدن، هنوز اجماع نظری در تعریف جهانی‌شدن وجود ندارد ولی می‌توان در تعریف، به قدر مسلم آنچه مورد نظر اندیشمندان این بحث است بسنده کرد. این قدر مسلم نیز دایر مدار "فاسلۀ گیری زمانی و مکانی"، "تراکم زمانی و مکانی" و "کم رنگ شدن نقش مرزهای جغرافیایی و فضاهای ملی در اعمال، روابط و تعاملات سازمان‌های فرامملی اقتصادی" است.^۱

۱. همان، ص ۱۵.

پیشینه تاریخی جهانی شدن مصطلح

همان گونه که گذشت، کاربرد واژه‌ی "جهانی" در ادبیات سیاسی دارای قدمت طولانی است، اما اصطلاح جهانی شدن، جهانی کردن^۱ و جهان‌گرایی^۲ قدمت چندانی ندارد و تنها پس از حدود سال ۱۹۶۰ رواج عام یافت.^۳ کاربرد مفهوم به شکل امروزی به دهه هشتاد بازمی‌گردد. لغت‌نامه آکسفورد (۱۹۹۰/۱۳۳) آن را جزء واژه‌های جدید می‌داند که به تأثیر پذیری از نظریه دهکده جهانی مک‌لوهان در کتاب "اکتشافات در ارتباطات" مطرح شد. رونالد رابرتсон درباره‌ی پیشینه‌ی تاریخی این مفهوم معتقد است که مفهوم جهانی شدن تا اوایل دهه هشتاد چندان اعتبار علمی نداشت، ولی از آن پس کاربرد جهانی یافت.^۴ وی خود از نخستین پژوهشگرانی است که در زمینه جهانی شدن به بحث و بررسی پرداخته و در سال ۱۹۸۵ برای اولین بار مقاله‌ای را در این باره تدوین نموده است.

آیا جهانی شدن فرایندی جدید و غیرتاریخی است یا ریشه در تاریخ دارد؟ به عبارت دیگر، آیا جهانی شدن بر بستر تحولات تاریخی پیشین استوار است و به نحوی بازگوکننده ماهیت مدرنیزم و پست مدرنیزم می‌باشد یا

1. Globalize

2. Globalizing

3. Robertson, Ronald, Op.cit, p 8.

4. Ibid

وضعیتی کاملاً متفاوت دارد؟ در حالت نخست، جهانی شدن، از پیشینه‌ی تاریخی بلندی برخوردار است، درحالی‌که در حالت دوم فاقد پیشینه‌ی تاریخی، و کاملاً یک مفهوم و وضعیت جدید می‌باشد. در این بخش دیدگاه‌های موجود در این زمینه را مطرح خواهیم کرد.

۱. نظرات نسبت به پیشینه‌ی تاریخی جهانی‌سازی

در مورد پیشینه‌ی تاریخی جهانی شدن عمدتاً سه فرضیه را می‌توان مطرح کرد: یک. جهانی شدن فرایندی است که ریشه در تاریخ حیات اجتماعی بشر دارد و بنابراین، از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و در عصر حاضر شتاب بیشتری به خود گرفته است.

دو. جهانی شدن هم‌مان با نوگرایی (مدرنیزاسیون) و توسعه‌ی سرمایه‌داری شکل گرفته و اخیراً از شتاب ناگهانی و بیشتری برخوردار شده است.

سه. جهانی شدن فرایندی متأخر و همراه با سایر فرایندهای اجتماعی نظیر فراصنعتی شدن فرانوگرایی یا شالوده‌شکنی سرمایه‌داری است.^۱

باری آکسفورد ضمن تأیید رابطه جهانی شدن با تجدد و مدرنیته، از نظر پیشینه‌ی تاریخی میان عوامل جهانی شدن و نمودهای آن تفاوت می‌گذارد. در نظر وی، نمودهای اصلی جهانی شدن نظیر صنعت محوری، سرمایه‌داری و دولت-ملت را بیشتر در تجدد غرب شاهد هستیم، درحالی‌که عوامل و نیروهای جهانی‌کننده براساس فهم متعارف پیش از دوره‌ی مدرن نیز وجود داشته است.^۲

از نظر این پژوهشگر، جهانی شدن نه مترادف با تجدد است و نه مولود آن، بلکه وضعیتی است که با روند تجدد، شتاب بیشتری می‌گیرد و روند

۱. ر.ک: واترز، مالکوم، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی و سیاوش مریدی، ۱۳۷۹، صص ۱۴-۱۳.

۲. آکسفور، باری، نظام جهانی: اقتصاد، سیاست و فرهنگ، ترجمه حمیرا مشیرزاده، ص ۳۶.

تجدد را نیز سرعت می‌بخشد. بنابراین، مناسب است به جای تأکید بر این نکته که جهانی شدن، تجدد را وسعت می‌بخشد، آن را به عنوان عوامل تسریع‌کننده‌ی آن بدانیم، زیرا به گفته رابرتсон^۱ و لکنر، بسیاری از محورهای تجدد، پاره‌پاره شدن هویت‌ها، انفکاک ساختاری، نسبیت شناختی و اخلاقی، وسعت و گستره‌ی تجربه و... در فرایند جهانی شدن تشدید شده‌اند و شکل تجدد به مشکل جهانی شدن بسط یافته و به تعبیری مشمول آن شده است.^۲

دیوید هاروی از دیگر نویسنده‌گانی است که جهانی شدن را با وضعیت پست مدرنیزم پیوند می‌زند. استدلال وی این است که جهانی شدن برای سرمایه‌داری پدیده جدیدی نیست، بلکه پسامدرنیته‌ی انعطاف‌پذیر، دربردارنده‌ی شدت تراکم زمانی و مکانی است که درواقع، ویژگی آن محسوب می‌شود. در این فضای جدید، زندگی اجتماعی به اندازه‌ای سرعت یافته که فضا کاهش یافته یا به کلی ازین رفته است. در وضعیت جدید، انتقال و دریافت فوری اندیشه‌ها در سراسر جهان با استفاده از ارتباطات الکترونیکی و ماهواره‌ای صورت می‌گیرد.^۳

بنابراین، نویسنده‌گانی که جهانی شدن را در چارچوب مدرنیاسیون و روند تکاملی مدرنیته تحلیل می‌کنند، آن را به عنوان وضعیت حاکی از چرخش پسامدرن می‌دانند. در این تلقی، فرهنگ جهانی اغلب فرهنگ پسامدرن می‌باشد که به سرعت در حال تغییر، تکثر و پاره‌پاره شدن است. این دیدگاه، جهانی شدن را به عنوان فرایند همسان‌سازی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به شدت مورد نقد قرار داده، آن را وضعیتی تلقی می‌کند که زمینه‌های تکثر، تنوع و تعدد الگوها، فرهنگ‌ها و اقتصادهای محلی را در

1. Robertson

۲. همان، ص ۳۳.

۳. نش، کیت، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ص ۸۳.